این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

حکمت توصیه رسول خدا(ص) به دست گرفتن عصا در ۴۰ سالگی

میرزا اگر چند ساعت بالای منبر [در مسجد بقیه‌الله دولاب] می‌رفت، از حرف زدن او خسته نمی‌شدید و حتی خودش هم خسته نمی‌شد. او موعظه‌گر بود و روایاتی را نقل می‌کرد که بسیار دست اول بود. روزی میرزا فرمود: پیامبر(ص) می‌فرماید اگر کسی به سن ۴۰ سالگی رسید، اما عصا در دست نداشت، قطعاً جهنمی است. بسیاری در جلسه تشکیک کردند و او در نهایت فرمود: دو ماه وقت دارید تا این حدیث را کشف کنید. بعد از دو ماه کسی نتوانست جوابی بیاورد و خودش توضیح داد که منظور از این عصا، احتیاط و پرهیز از سهل‌انگاری است، یعنی فرد بعد از ۴۰ سالگی به پختگی می‌رسد که احتیاطش در کار بیشتر می‌شود که اگر این رخ ندهد، عاقبتش ختم بخیر نمی‌شود. توضیحات میرزا در این خصوص بیش از نیم ساعت طول کشید. (خاطره به نقل از حاج حسین حاتمی، از شاگردان مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی، خبرگزاری فارس)

منبع: کانال تلگرامی «حاج محمد اسماعیل دولابی، یادنامه»

چه بسا در رختخواب دری باز شود

صفحه اینستاگرامی «fateminia» جملاتی از مرحوم استاد فاطمی‌نیا(ره) را به اشتراک گذاشت. مرحوم فاطمی‌نیا فرموده‌اند: دانشجویید، کارمندید، تاجرید، پزشکید، هرچه هستید آن زمان‌هایی که به خواب رفتید و بیدار شدید و دیدید که وقت نماز شب است ولی رمق خواندن نماز ندارید لااقل یک «یااکرم الاکرمین» که می‌توانید بگویید. خداوند چه بسا در رختخواب برای بندگانش دری را باز می‌کند که در نمازشان باز نمی‌کند.

توصیه‌ای برای معاملات ملکی

حسن مکاری در توییتی نوشت: پیشنهاد بنده این است که قبل از هر گونه معامله ملکی اعم از خانه، زمین و... حتماً و حتماً از نهادهای متولی امر استعلام‌های لازم را به عمل آورید. هستند برخی سوءاستفاده گرانی که املاک دارای رأی قلع، دولتی و... را به افراد پیشنهاد و مردم را دچار زحمات فراوانی می‌کنند.

موساد دانشجویان امریکایی را در توییتر تهدید کرد

محمد حسین‌آزادی ترجمه توییتی از اکانت منتسب به موساد را به اشتراک گذاشت. آزادی نوشته است: اکانت وابسته به موساد دانشجویان امریکایی را تهدید کرده و نوشته است تکنولوژی شناسایی صورت می‌تواند تشخیص دهد که آیا در تجمعات طرفدار فلسطین در دانشگاه‌ها شرکت کرده‌اید یا نه؟! موقعیت‌های شغلی و مدارک تحصیلی‌تان بی‌ارزش خواهند بود و موقعیت‌های استخدامی‌تان هم محدود خواهد شد.

ما سقوط رژیم خبیث را به تماشا نشسته‌ایم

جواد آقایی در توییتی نوشت: خوش به حال ما! جای عجیبی از تاریخ قرار گرفته‌ایم! جایی که برای خیلی‌ها فقط قصه و آرزو بود! جایی که تاریخ برای رسیدنش، قرن‌ها انتظار کشیده! چه کسی فکرش را می‌کرد که روزی پرچم فلسطین بر پیشانی مجسمه جورج واشینگتن در دانشگاه واشینگتن خودنمایی کند؟! ما سقوط صهیونیسم را به تماشا نشسته‌ایم!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به گفته‌های تازه اشکان خطیبی

عاقبت رؤیافروشی

اشکان خطیبی که در ایام اغتشاشات ۱۴۰۱ به اروپا رفته بود، حالا در مصاحبه‌ای گفته است: «دیگر توانایی کار کردن ندارم.» او گفته است: «خودم به همه چیز پشت پا زدم... از چیزی نمی‌خواهم دفاع کنم... نمی‌خواهم بگویم اشتباه کردیم چون همه مربوط به پروسه اجتماعی است و همه ارکان اجتماع را درگیر می‌کنم و من هم بخشی از این اجتماع بودم... در ایران مدیر پردیس سیاسی چارسوق بودم! دو سال پشت سر هم رئیس کاخ بودم. اینها را نمی‌توانم انکار کنم... اگر اشتباه کردیم همگی با هم اشتباه کردیم!... زندگی در اروپا کار راحتی نیست؛ به دلیل بیماری C-PTSD تحت درمانم!... از کیفیت کارهایی که در خارج از ایران کردم راضی نیستم... حدود شش سال است روی صحنه نرفته‌ام... سخت است، واقعاً سخت است. بهای سنگینی دادم و به قیمت از دست دادن خیلی از چیزها، از جمله خانواده‌ام تمام شد.» این گفته‌ها با واکنش‌های بسیاری از سوی کاربران همراه بود که در ادامه بخش‌هایی از آن را مرور کرده‌ایم.

■ سعید ساداتی:
چند ماه قبل مورد اهانت اشکان خطیبی قرار گرفتم اما وقتی امروز ابراز ندامت و پشیمانی او را دیدم از صمیم قلب از خدا خواستم ای کاش شرایطی فراهم شود تا خطیبی‌هایی که پشیمانند با اخذ تعهد به وطن‌شان بازگردند. دیدن حال و روز خراب ایرانی‌ها در غربت حال آدمو خراب می‌کنه.

■ احمد روستایی:
شنیدن حرف‌های اشکان خطیبی کار راحتی نیست. آدم دوست ندارد هموطنش را در این شرایط ببیند. به‌خصوص اگر هنرمند باشد و با فیلم‌هایش خاطره داشته باشی. اینها فریب رؤیافروشی رسانه‌ها و اطرافیانی را خوردند که تصورات ذهنی‌شان را به اشتباه شکل دادند. اینها را باید تلفات جنگ رسانه‌ای دشمن به حساب آورد.

■ مهدی غنچه:
بیماری که اشکان خطیبی از آن حرف می‌زند اختلال استرس است که پس از یک اتفاق وحشتناک ایجاد می‌شود! کاش به وطن پشت پا نمی‌زد.

■ محمد همدانیان:
باید به اشکان خطیبی گفت تو تنها نیستی خیلی‌ها که رفتن به فکر بازگشت هستند اما روی بازگشت ندارند.

■ علی فرحزادی:
اکثر اینایی که برای لگد زدن به نظام و خوش خدمتی به امریکا مهاجرت کردن اوضاعی شبیه به اشکان خطیبی دارن. این حرفایی که الان از این آدم می‌شنویم شامل حال خیلی‌هاشون میشه! همه چیز داشتن و حالا مال‌باخته پشیمان! عاقبت رؤیافروشی همینه.

■ کاربری با نام «تاج»:
خیانت به وطن کاری میکنه از نقش اول سریال، رستوران لاکچری در فشم، مدیریت شرکت، مدیر پردیس سینمایی چارسو، رئیس کاخ جشنواره بین‌الملل، خوانندگی، آموزشگاه بازیگری به بیماری و تصمیم به خودکشی برسی! و باعث سقوط چندین جوان و نوجوان هم بشی.

■ هانی برقعی (با تلخیص):
بله آقای خطیبی! وقتی اونقدر مردم ایران رو فقط از پشت شیشه‌های ماشین‌های لوکس دیدین، وقتی کل مردم ایران رو به یکسری که دورتون رو گرفتن تعمیم دادین، وقتی رسانه با فضای مجازی بهتون القا کرد که کار رژیم تمومه و شما این رو باور کردید خب معلومه الان پشیمونی و معلومه که حسرت زندگی گذشته خودت رو می‌خوری... احسان کرمی‌ها و برزو ارجمندها و اشکان خطیبی‌ها همه دچار یک اشتباه محاسباتی شدن، اونها مردم واقعی ایران رو از شبکه‌های اجتماعی قضاوت کردند.

■ کاربری با نام «آدم»:
براندازه نوشته: ۹۰ درصد اونایی که مهاجرت کردن خیلی خوشحال و راضی‌اند. بعد از ارژنگ امیرفضلی حالا اشکان خطیبی هم به جرگه اون ۹۰ درصد پیوست. خطیبی: «زندگی تو اروپا کار راحتی نیست... نه بدنم و نه ذهنم دیگه توانایی کار کردن نداره... همه چیز بدتر شده... خیلی چیزا رو از دست دادم.»

کتاب با ما چه می‌کند؟

نعمت‌الله فاضلی در کانال تلگرامی خود نوشت: دوستم دکتر رضا صادقی‌نژاد که کتابخوان و کتاب دوستی حرفه‌ای است دعوت کردند در شرکت لبنیاتی چوپان درباره کتاب برای همکارانشان سخنرانی کنم. پذیرفتم و گفتم موضوع سخنرانی‌ام این است که «کتاب با ما چه می‌کند؟» گفتم در کتابم «الفبای زندگی؛ خواندن و نوشتن به‌مثابه زیستن»(۱۴۰۳) یکی از مسئله‌هایی که کاویده‌ایم همین پرسش است. معتقدم تجربه‌های خواندن و خوانندگان از گمشده‌های زمانه ماست.

گفتم می‌خواهم در این سخنرانی‌ام از گمشده‌هایی صحبت کنم که نه‌تنها گمشده‌اند بل گمشدگی‌شان هم فراموش شده است. می‌دانیم که گمشده‌ها زیادند و برخی‌شان خوشبخت‌اند، چه، لااقل فراموش نشده و نمی‌شوند و ما در پی‌شان هستیم. مثل چی؟ مثل شادی. یا حتی پول! یا حتی اشیای گمشده‌مان. یا عشق و محبت!

اما گمشده‌هایی هم هستند که کسی در پی‌شان نیست. مثل چی؟ مثل خواننده‌های کتاب‌ها و تجربه‌های خواندن آنها. می‌دانیم و بدیهی است که نویسندگان برای خوانندگان می‌نویسند و بدبخت نویسنده‌ای که خواننده ندارد. و می‌دانیم که رولان بارت از «مرگ مؤلف» نوشت. بارت گفت معنای واقعی متن چیزی نیست که مؤلف منظور دارد بل همانی است که در خوانش و ذهن خواننده شکل می‌گیرد.

هوارد بکر، جامعه‌شناس کلاسیک در اثر ماندگارش «جهان‌های هنر» نشان داد نویسنده و هنرمند تنها حلقه‌ای از زنجیره سازنده آثار و هنرها هستند و چاپخانه‌ها، ناشران، کتابفروش‌ها، ویراستاران، مطبوعات، رسانه‌ها، منتقدان، و خوانندگان و مخاطبان حلقه‌های دیگر زنجیره آفرینش‌های هنری و ادبی و فکری را تشکیل می‌دهند.

نمی‌خواهم وارد بحث‌های نظری شوم و مثلاً نظریه دریافت یا نظریه‌های جامعه‌شناختی هنر و معرفت را پیش بکشم. همین‌قدر کفایت می‌کند که بدانیم و اذعان کنیم که خوانندگان کتاب‌ها نقش و سهم مهمی در دنیای هنر، کتاب و فکر دارند.

اما با وجود این در بحث کتاب و گفت‌وشنودهای جمعی درباره کتاب معمولاً نویسنده‌ها و خالقان کتاب عموماً به چشم می‌آیند. در مرتبه بعد هم ناشران و کمی هم کتابفروشان. جای خوانندگان و تجربه‌های خواندن آنها در گفتمان عمومی کتاب خالی است.

بگذارید روشن‌تر و انضمامی‌تر بگویم. تاکنون نشنیده‌ایم که کسی یا کسانی در مقام «خواننده بزرگ» صاحب شهرت و منزلتی باشد. شما اطلاعی دارید؟ درحالی که نویسنده بودن فی‌نفسه مقام و منزلتی دارد. چرا خواننده بودن منزلت ندارد؟

خواننده‌ها را گویی به مصرف‌کننده کتاب تقلیل داده‌ایم. درحالی که خواننده مصرف‌کننده نیست و عمل خواندن کنش خلاقه و مولد است و سهم مهمی در فرهنگ و دنیای کتاب دارد. تجربه‌های خوانندگان برخلاف تجربه‌های نویسندگان ناشناخته مانده است. خوانندگان از خواندن کتاب‌ها تجربه‌های سازنده و گاه شگفت‌انگیزی دارند.

احمد اخوت در تازه‌ترین کتابش «خود نوشتن»(۱۴۰۳) می‌نویسد: پرستاری توانست به خاطر خواندن کتاب‌های آگاتا کریسی کسی را که سم خورده بود نجات دهد.

جان کاک هم در کتاب «جان‌های بیمار، ذهن‌های سرحال»(۱۴۰۱) که درباره زندگی ویلیام جیمز است می‌نویسد: جیمز در جوانی قصد خودکشی داشت، اما با خواندن کتاب «جستارهای انتقادی عمومی» شارل رنوویه، فیلسوف فرانسوی از خودکشی منصرف شد.

میلیون‌ها مورد از این تجربه‌ها هست، اما این تجربه‌ها ناشناخته و ناگفته مانده‌اند. کتاب‌ها نقش مهمی در توسعه اجتماعی و توسعه فردی ما داشته و دارند، اما این نقش اغلب به‌صورت کلی و نظری بیان می‌شود و تجربه‌های خواندن و خوانندگان پنهان مانده و می‌مانند.

نمی‌خواهم بگویم تأثیرات خواندن همیشه و برای همه نجات‌بخش بوده است. برخی هم با خواندن کتابی به بیراهه کشیده شده‌اند، اما هم تجربه نجات‌یافتگان و هم بیراهه رفتگان به ندرت گفته و شنیده می‌شود.

پیامد این گمشدگی و پنهان بودگی «شوق خواندن» را می‌کاهد و چه‌بسا کاسته باشد. کامیابی‌های ریز و درشت کتابخوان‌ها که حاصل خواندن است، انگیزه‌بخش و شوق‌آفرین است. حال که شبکه‌های اجتماعی امکان بیان هر چیزی را فراهم ساخته، می‌شود فضاهایی هم برای تجربه‌های خوانندگان ایجاد کرد. ما نیاز داریم که بدانیم کتاب با ما چه می‌کند؟

دقت کنید منظورم این نیست که سهم کتاب در تکوین و توسعه فرهنگ و تمدن ناگفته و ناشنیده مانده است. خیر. دهها کتاب ارزشمند در این زمینه هست. منظورم تجربه‌های خوانندگان است. خوانندگان هم مثل نویسندگان کار ارزشمند و سازنده‌ای انجام می‌دهند. تجربه‌های خواندن هم مثل تجربه‌های نوشتن سختی‌ها و زیبایی‌هایی دارند.

به خبرنگار خبرگزاری کتاب پیشنهاد دادم فقط با نویسندگان درباره کتاب‌هایشان صحبت نکنید. سراغ خوانندگان بروید و از آنها بخواهید تجربه‌های خواندن‌هایشان را روایت کنند. منظورم این نیست که کتاب‌های جالب و دوست‌داشتنی‌شان را بگویند، منظورم تأثیرات و خاطرات و تجربه‌هایشان از کتاب و کتابخوانی را بگویند. به قول استاد احمد اخوت «خاطرات کتابی»شان.

این‌بار امریکا از کجا عقب‌نشینی می‌کند؟

قیس قریشی در توییتی نوشت: پایان جنگ ویتنام و پذیرش شکست از سوی امریکا از اعتراضات دانشجویی در همین دانشگاه‌های امریکا شروع شد. باید دید این بار امریکا از کجا عقب‌نشینی می‌کند و در کدام حوزه شکست را می‌پذیرد.

پرچم دختران ایران بالاست

محمد اکبرزاده در توییتی نوشت: نازنین فاطمه عیدیان، رکورد ایران در دوی ۴۰۰ متر مانع را شکست و برای اولین بار در تاریخ، مدال طلای قهرمانی آسیا را برای کشور کسب کرد. پرچم دختران ایران بالاست.

جمع می‌شود اما تمام نمی‌شود

مصطفی صادق‌محمدی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: چقدر دیدن این ذلت پلیس امریکا عجیب است! درست همان موقع که محاسبات روی کاغذ برتری بلامنازعشان را به رخ دنیا می‌کشید، ایران عزیز را زیر چرخ‌دنده دنیایی تحریم و رسانه و فرهنگ پوک خود له می‌کردند، یمن را به زنجیر کشیده بودند و فلسطین در معرض فراموشی بود، روی همه جامعه چندپاره لبنان حساب باز کرده بودند و به حزب خدا فکر نمی‌کردند، دقیقاً وقتی دل‌شان به شیطان مطمئن بود. تقویم اما بی‌هیچ‌گونه بیم و ترس به هفتم اکتبر رسید، موشک‌های پلاستیکی حماس با خرج ایمان از بروج مستحکم فرهنگی و اتفاقاً نه نظامی غرب، عبور کرد و همه معادلات آنها را به هم ریخت. هیچ وقت فکرش را نمی‌کردند ذوات پاک و قلوب بیدار مردم دنیا اینطور برخیزند و شکست‌شان را فریاد بزنند. اصلاً فهم محاسبه بُرندگی خون زنان و کودکان غزه را نداشتند.

اما حالا از دانشگاه‌های خود، محل تولید و ترویج فرهنگ و موتور محرک رسانه خود ضربه مهلکی به گیجگاه‌شان خورده که اینچنین لشکرکشی کرده‌اند. جمع می‌شود؟ احتمالاً! تمام می‌شود؟ ابداً! محدود می‌شود؟ شاید! از بین می‌رود؟ هرگز! جنود خدا هیچ‌وقت شکست نمی‌خورد. همانطور که فرعون از ناحیه موسایی که ظاهراً در دامن خود پرورانده بود به هزیمت رفت. وعده خداست! که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست!

مذهب و فوتبال

مهراب صادق‌نیا در کانال شخصی خود در پیام‌رسان ایتا نوشت: عبدالکریم حسن، بازیکن قطری تیم فوتبال پرسپولیس، پس از تماشای تلاوت زیبای صالح مهدی‌زاده، قاری نوجوان قرآن کریم از مسئولان باشگاه خواسته بود که او را به تمرین دعوت کنند. این قاری نوجوان خوش‌صدا این دعوت را پذیرفته و در جلسه تمرین تیم پرسپولیس شرکت کرده است. برای من دعوت عبدالکریم حسن خیلی معنادار است. یک بازیکن قطری که بر اساس علاقه شخصی خود پای نمادهای دین و تلاوت قرآن را به زمین فوتبال باز می‌کند. البته در میان فوتبالیست‌های ایرانی هم هستند کسانی که گاهی نمادهای مقدس را در زمین فوتبال به نمایش می‌گذارند، ولی در مجموع، فاصله میان مذهب و فوتبال در ایران زیاد است. در اروپا این فاصله نسبت به گذشته بسیار کم شده است. در همین ماه رمضان دیدیم که مسابقه رسمی را متوقف می‌کردند تا فوتبالیست‌های مسلمان بتوانند افطار کنند. بازیکنان مسلمان در کشورهای اروپایی با افتخار نمادهای مذهبی خود را آشکار می‌کنند، کناره‌های زمین و پیش چشم هزاران تماشاچی نماز می‌خوانند و مورد تشویق آنها قرار می‌گیرند، یا به مکه می‌روند و حج خود را استوری می‌کنند. اینکه چرا هیچ وقت به ذهن یک بازیکن ایرانی نمی‌رسد که یک قاری قرآن را به تمرین تیمش دعوت کند، ولی عبدالکریم حسن قطری این کار را می‌کند، پرسش مهمی است و البته به تفاوت ماهیت دینداری در ایران و قطر برمی‌گردد. نمی‌خواهم برای این تفاوت اسمی انتخاب کنم، ولی بد نیست برای فهم آن به یک خاطره اشاره کنم. چند سال پیش که این امکان را داشتم در یکی از شهرهای آلمان در یک حسینیه به مناسبت ماه محرم سخنرانی کنم؛ در جمعیت بیش از ۱۵۰ نفری که هر شب به حسینیه می‌آمدند، تنها دو ایرانی به چشم می‌خورد که یکی از آنها ارمنی بود. برای من سؤال بود که پس ایرانی‌ها کجا هستند و چرا نمی‌آیند. با کنجکاوی از آنها پرسیدم در این شهر چقدر ایرانی زندگی می‌کنند. پاسخ دادند بیش از ۱۵ هزار نفر. گفتم آیا مسجد یا حسینیه‌ای اختصاصی دارند، جواب دادند که خیر. پرسیدم که به نظر شما چرا در این حسینیه، افغانستانی‌ها حضور فعالی دارند، ولی ایرانی‌ها نه. در جواب گفتند که ایرانی‌ها به این برنامه‌ها بدبین هستند و فکر می‌کنند آمدن به حسینیه، بازی کردن در زمین سیاست است.

کره‌جنوبی استفاده از گوشی امریکایی آیفون را در مراکز نظامی ممنوع کرد

پایگاه خبری استریت تایمز گزارش داد ارتش کره جنوبی استفاده از گوشی تلفن همراه آیفون را برای پرسنل نظامی این کشور ممنوع کرده و دلیل آن را عدم انطباق دستگاه‌های آیفون با محدودیت‌های مشخص شده در سند امنیت دفاع ملی ارتش این کشور برای کنترل دستگاه‌های تلفن همراه و نشت اطلاعات حساس از طریق ضبط صدا اعلام کرد.

استریت تایمز این خبر را به نقل از گروهی از افسران ارتش بدون ذکر مشخصات‌شان نقل کرده است. این رسانه مدعی است که تصمیم برای ممنوعیت آیفون در ارتش از جلسات مشترکی گرفته شده است که توسط ستاد ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی برگزار شده است.

همچنین پایگاه خبری the defense post که اخبار حوزه‌های نظامی و فناوری را منتشر می‌کند، با ذکر این خبر اعلام کرده اگر این ممنوعیت در تمام واحدهای نظامی اجرا شود، حدود ۵۰۰هزار پرسنل ارتش کره جنوبی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در سند منتشره از سوی استریت تایمز، علاوه بر ممنوعیت استفاده از گوشی‌های آیفون امریکایی در ارتباطات رسمی، هرگونه استفاده از آیفون در ارتباطات غیررسمی مانند تماس‌های تلفنی خصوصی در داخل ساختمان‌های نظامی هم ممنوع شده است. استریت تایمز آورده است این ممنوعیت به‌طور آزمایشی در شهر گیریونگ برای نیروهای ارتش در حال انجام است و احتمالاً همه واحدهای دیگر در سراسر کره جنوبی را شامل می‌شود و علاوه بر تلفن همراه، ساعت‌های هوشمند هم ممنوع می‌شود. اجرای آزمایشی این طرح در گیریونگ به‌دلیل اهمیت بالای این شهر در وجود ستاد ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی در آن با حدود ۱۰هزار پرسنل است. استریت تایمز به‌نقل از منابع خود گفته است گوشی‌های هوشمند مبتنی بر اندروید ازجمله شرکت سامسونگ، از این ممنوعیت مستثنی خواهند شد و در این سند به صراحت آمده است که «آوردن آیفون‌ها کاملاً ممنوع خواهد بود.»

وزارت دفاع ملی کره برنامه امنیتی برای کنترل دستگاه‌های تلفن همراه در مراکز نظامی را در آگوست ۲۰۱۳ برای کاهش خطر نشت اطلاعات معرفی کرد و دستور استفاده از این برنامه امنیتی در مراکز نظامی از سال ۲۰۲۱ برای همه پرسنل تمدید شد.

تصویر منتخب

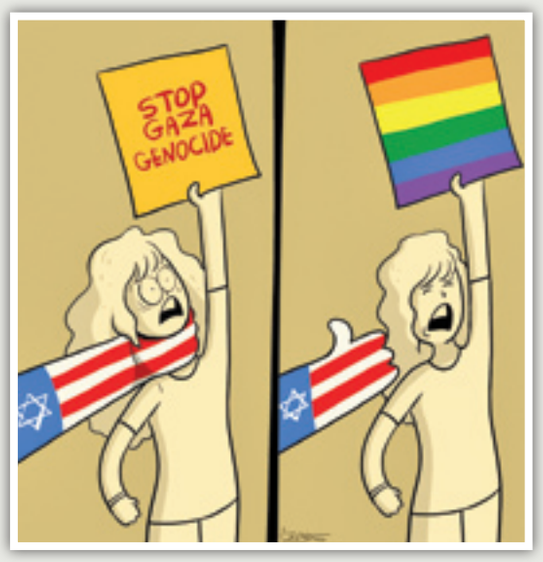

نام اثر: آزادی بیان امریکایی
از صفحه توییتری کاربری با نام «فُسالنُ»